

شد، بازار ایران را ترک کردند. ضمن اینکه این کشورها به دلیل اینکه به مدیترانه راه دارند گزینه‌های بیشتری برای تامین انرژی پیش رو دارند. بر این اساس به باور من با تدوین یک استراتژیک مناسب در سیاست خارجی می‌توان به یک تعامل سطح بالای اقتصادی با کشورهای اروپایی دست یافت. باید اذعان داشت اگر مسائل اقتصادی در استراتژی سیاست خارجی ما حضور نداشته باشد، این استراتژی واقعا بی ارزش است و مفید به فایده نخواهد بود. ما سیاست خارجی نیاز داریم که منافع اقتصادی را مد نظر قرار دهد. ضمن اینکه طبیعتا در این استراتژی آمال و اهداف انقلاب اسلامی هم در آن حضور داشته باشد. بنابراین تنوعی که شما به آن اشاره کردید، یکی از اصلی‌ترین کارهایی است که ما باید در سیاست خارجی خود ملحوظ کنیم. ما نمی‌توانیم با یکی دو کشور روابط مناسب اقتصادی داشته باشیم و باقی کشورها را کنار گذاریم. باید توجه کرد در رابطه اقتصادی چه در خرید، فروش، صادرات، واردات و مواردی از این دست، ما باید زینت فرآیند که روند اصلی توسعه خودمان هم به شمار می‌رود، را به عنوان یک هدف اصلی در سیاست خارجی قرار دهیم. از همه مهمتر اینکه نسبت روابط اقتصادی با روابط سیاسی، باید تعریفی مشخص، مرتب و همگن داشته باشد. متأسفانه این تا حدی با مشکل رو به رو است. بخش‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن سیاست خارجی، برخی اقدامات را انجام می‌دهند و بعضا ممکن است این رفتار را در سیاست خارجی هم اجرا کرده باشند. بر این اساس ما باید یک همگنی بسیار نزدیک میان بخش‌های اصلی استراتژی اقتصادی و سیاسی خود انجام دهیم تا بتوانیم این تنوعی که شما هم به آن اشاره کردید را به دست آوریم.

ایفا نماییم و نه تنها به گذشته بازگردیم، بلکه حتی از گذشته هم فراتر رویم و روندهای جدیدی را در این عرصه پیاده نماییم.

**در زمینه تعامل انرژی و تامین این منابع اولیه برای کشورهای اروپایی و در مقابل دریافت تکنولوژی از آنها، تا چه حد می‌توانیم بازار هدف خود را گسترده‌تر و متنوع‌تر نماییم. به عنوان مثال در میان کشورهای اروپایی، ما بیشتر با ترونیکی آلمان، انگلستان و فرانسه تعاملات و مراوداتی را داشته‌ایم. تا چه حد می‌توان این حلقه را گسترده‌تر کرد و کشورهای دیگر اروپایی را به این مجموعه افزود؟**

تصور بنده بر این است که ما نه تنها

با اروپایی‌ها که با

کشورهای خارج از اروپا هم

می‌توانیم این مراودات را گسترش دهیم. به عنوان مثال با کشورهای آسیای جنوب شرقی، امروز تشنه کار و انجام فعالیت اقتصادی با ایران هستند. کشورهایی مانند هند و چین چنین ویژگی دارند و این روند خود نوعی رقابت ایجاد می‌کند، چراکه بازار انرژی محدود است و مشخص است هر کشور تولید کننده‌ای تا حد میزان ذخیره دارند و این ذخیره‌ها را چگونه تقسیم بندی کرده و چگونه مورد استفاده قرار می‌دهند. بر این اساس چون بازار تامین انرژی محدود است، می‌تواند نوعی رقابت میان خریداران ایجاد نماید. اگر ما بتوانیم در مشتریان خود تنوع ایجاد کنیم و دوباره به سطح پیشین باز گردیم، موقعیت‌های فراوانی برای ما به وجود می‌آید. باید توجه کرد که پیش از این ایتالیا یکی از خریداران خوب منابع انرژی ما بود، اسپانیا هم دیگر کشوری بود که از ایران انرژی وارد می‌کرد. ولی این کشورها به دلیل افزایش مسائل تحریم و سیاست‌هایی که از سوی دولت پیشین اتخاذ

و هم مسکو از قدرتمند شدن اروپا چنین حسی دارد. بنابراین آنقدر پیچیدگی در این روابط وجود دارد که ما شاید در حال حاضر قدرت ورود به این مباحث را نداشته باشیم. چراکه ما با روسها درگیری‌های مختلفی در زمینه انرژی داریم. به عنوان نمونه اگر بخواهیم در دنیا حاکمیت گازی ایجاد کنیم، باید تنها با روسها تعامل داشته باشیم. اگر بخواهیم انرژی را در زمینه مسائل نفتی پیش ببریم، هرچند روسها هوایک نیستند، اما باید با روسها همکاری داشته باشیم. ضمن اینکه باید حد و حدود و خطوط قرمز یکدیگر را مشخص و به آن احترام بگذاریم. به نظر بنده ما بدون اینکه این مواردی که شما به آنها اشاره کردید را لحاظ کنیم باید بر اساس رویه منطقی و مبتنی بر واقعیت پیش رویم. صادرات انرژی ما به اروپا پیش از این هم قابل توجه بوده است. آن زمان اروپا هم با روسها و هم با ایران کار می‌کرد، درصد تقاضای اروپا به حدی بالااست که در این بازار هم روسها و هم ایران می‌توانند حضور داشته باشند. بر این اساس چرا ما به جای اینکه یک رقابت ناسالم را ایجاد کنیم که ممکن است نفعی برای ما وجود نداشته باشد، در نتیجه بهتر است یک رقابت سالم را با همکاری روسها در حوزه‌های مختلف ایجاد کنیم. من نمی‌خواهم بگویم که روسها قابل اعتماد هستند یا خیر، ولی می‌گویم که ما از لحاظ هزینه‌ها، هزینه‌های زیادی را پرداخت کردیم اما بازخورد و نتیجه مناسبی را دریافت نکردیم. یعنی رابطه‌های اقتصادی - سیاسی خوب و سطح بالایی را ایجاد نکردیم. در این زمان که ما در نقطه عطفی قرار داریم، بهتر است که با همه دنیا کار کنیم و با هر کدام هم سیاست مختص خود را پی بگیریم. اصولا سیاست خارجی به همین معناست. اینکه شما بتوانید با همه دنیا کار کنید، همه دنیا به شما اعتماد داشته باشند، بدون اینکه درگیری و منازعه‌ای با کشوری داشته باشید. اروپا آنقدر به انرژی احتیاج دارد که ما با امکانات بسیار عالی و نقطه استراتژیک بسیار عالی که داریم، می‌توانیم نقش خود را در آنجا به راحتی

اروپا  
آنقدر  
به انرژی

**احتیاج دارد که ما می‌توانیم نقش خود را در آنجا به راحتی ایفا نماییم و نه تنها به گذشته بازگردیم، بلکه حتی از گذشته هم فراتر رویم و روندهای جدیدی را در این عرصه پیاده نماییم**